

ادیب دانش‌ور
ملا عبدالکریم گزی اصفهانی
(۱۲۶۰ - ۱۳۳۹ قمری)



نویسنده: استاد ناصر باقری بیده‌ندی

انتشار: وبگاه رسمی استاد ناصر باقری بیده‌ندی

www.baqeribidhendi.ir

منبع: فرهیختگان تمدن شیعه nbo.ir

ولادت

عبدالکریم بن ملا محمد در سال ۱۲۶۰ هجری قمری در روستای «گزر» از بلوک «برخوردار» در شمال اصفهان در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشودش، در سایه ی تربیت پدر دانشمند و وارسته ی خود - که از شخصیت های با تقوا و خیر بود - دوران کودکی را سپری کرد. مقدمات علوم را در زادگاه خود نزد پدر و دایی دانش ور خود آموخت. آن گاه برای ادامه ی تحصیل راهی حوزه ی پر رونق اصفهان شد و در فضای عالم پرور و بستر فقه و اجتهاد اصفهان رشد کرد.

مراحل تحصیل

قیمت مرد به دانایی و علم و هنر است جز به دانش نبود قیمت و مقدار کسی

عبدالکریم شیفته ی علم و دانش بود بعد از استقرار در اصفهان، از محضر مدرسان مبرز وقت، مانند حضرات آیات میرزا محمدحسن نجفی (شاگرد صاحب جواهر) و میر محمدصادق کتاب فروش و میرزا ابوالعالی کلباسی و حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجدشاهی، رحمه الله علیهم اجمعین، بهره برد.

هر چند حضور در درس اساتید نامی حوزه ی اصفهان، موجب رشد و پیشرفت وی در کسب معارف و علوم اسلامی شد، اما نتوانست تشنگی او را در کسب دانش فرو نشاند. لذا تصمیم به مهاجرت به حوزه ای بزرگ تر و پر رونق تر گرفت.

مهاجرت به نجف اشرف

هر چه خوبان جهان درس وفا یافته اند همه در مکتب و در مدرس ما یافته اند

آخوند گزی، پس از بهره وری از اساتید ژرف نگر حوزه ی اصفهان، برای کسب معنویات و کمالات از مراقد ائمه، علیهم السلام، و ادامه ی تحصیل و شرکت در درس های عالمان بزرگ حوزه پربار نجف، به عتبات مهاجرت کرد و پس از زیارت مرقد مطهر باب علم نبی، علیهما السلام، و طلب توفیق از آن حضرت، با استواری و عشق به علم و

دانش، پا به حلقه ی درس اساتید برجسته ای گذاشت که در شکل گیری و تکوین شخصیت علمی و معنوی وی، نقش مؤثری داشتند.

استادان او در نجف و سامرا و کربلا عبارت اند از حضرات آیات عظام:

۱ - سید حسین ترک کوه کمری (۱۲۹۹ هجری قمری)

۲ - حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۳۲۶ هجری قمری) نویسنده ی ذریعۀ الوداد (منتخب نجاه العباد)

۳ - آقا میرزا حبیب الله رشتی (۱۲۳۴ - ۱۳۱۲ هجری) صاحب بدایع الافکار و کتاب الاجاره

۴ - حاج میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی بزرگ، صاحب فتوای مشهور تحریم تنباکو

۵ - شیخ علی نقی برغانی حایری

سرانجام آخوند گزی در سال ۱۲۹۸ قمری به دریافت اجازه ی اجتهاد مفتخر گشت و در همان سال با کوله باری از علم و معنویت به دارالعلم اصفهان بازگشت و در مدرسۀ مبارکه ی «نیم آورد» سکونت گزید و به تدریس پرداخت. بعدها محل تدریس خود را در مسجد نو بازار قرار داد. ایشان در مراجعت به اصفهان در جایگاهی قرار داشت که به عنوان یک فقیه برجسته و مدرس توانا، به رتق و فتق امور مردم و قضای شرعی پرداخت.

بر کرسی تدریس

استاد گزی، بخشی از عمر بابرکت خود را وقف تعلیم و تدریس در جمع حوزویان کرد و اوقات عظیمی را نیز صرف پژوهش فرمود. در حوزه ی درسی پر رونق مرحوم آیت الله گزی عده ی زیادی از فضلا و دانش وران شرکت داشتند. که از مفاخر ما به شمار می آیند. برخی از آن بزرگواران عبارت اند از:

- ۱ - سید حسین موسوی خادمی (از فقها و اصولیین اصفهان) [۱]
- ۲ - شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) که معنویت عجیبی داشت و به درجات عالی از علم نائل گردیده بود. او در ۱۳۷۸ هجری قمری بدرود حیات گفت.
- ۳ - سید محمدحسن نجفی (آقا نجفی قوچانی)
- ۴ - جلال الدین همایی (از دانشگاهیان بنام)
- ۵ - سید محمد تقی موسوی احمدآبادی (صاحب مکیال المکارم)
- ۶ - میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی (مؤلف مکارم الآثار)
- ۷ - شیخ ابوالقاسم دولت آبادی اصفهانی
- ۸ - شیخ علی محمد فقیه حبیب آبادی، از علما و فضلاى اصفهان (م ۱۳۸۰ هجری قری)
- ۹ - شیخ عباس علی ادیب حبیب آبادی، استاد برجسته ی حوزه ی اصفهان و مولف آثاری مانند هدیة العباد و احسن التقویم.
- ۱۰ - سید محمد مقدس بیدآبادی (صاحب کتاب الاوائل و از خواص اصحاب آیت الله بروجردی)
- ۱۱ - سید احمد خوانساری
- ۱۲ - شیخ مرتضی مظاهری کرونی
- ۱۳ - میرزا فتح الله درب امامی
- ۱۴ - شیخ محمدطاهر اردبیلی [۲]
- ۱۵ - سید عبدالحسین طیب (مفسر و فقیه صاحب تفسیر اطیب البیان و کلم الطیب)

۱۶ - سید حسن مشکان طبسی، [۳]

۱۷ - دکتر محمد زهرایی خوانساری، [۴]

۱۸ - سید محمد کاظم مرتضوی اصفهانی، [۵]

۱۹ - سید محمد حسن روضاتی، [۶]

۲۰ - سید حسین موسوی قمصری، [۷]

۲۱ - شیخ محمد حسین غروی کرمانی (م ۱۳۵۷ شمسی)،

۲۲ - شیخ محمد حسین کتبی خوانساری، [۸]

۲۳ - شیخ محمد حسن نجفی رفسنجان‌ی [۹] که حدود پنجاه سال در حوزه ی رفسنجان با عشق و علاقه ی وافر، به تدریس و افاضه و ارشاد طلاب پرداخت و در سال ۱۳۹۲ قمری بدرود حیات گفت.

۲۴ - شیخ محمود فرساد اردکانی [۱۰]. او فقیهی نامدار و ادیبی شیرین سخن که شاگردانی مانند امام خمینی و شهید صدوقی در محضرش کسب فیض کردند. [۱۱]

۲۵ - حسن وحید دستگردی. او از محققان بزرگ و ادبا و شعرای معروف اصفهان است و آثار ارزشمندی دارد.

دقت نظر و استحکام بیان

دقت نظر و استحکام بیان استاد، تعجب و تحسین شاگردان را بر می انگیزد. شماری از شاگردان ایشان جلسات درس استاد را توصیف کرده اند. از جمله:

۱ - علامه میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی (م ۱۳۵۵ شمسی) می گوید:

«جلسات درس وی، بسیار عالی بود و با حسن خلقی که داشتند و شوخی های ظریف و لطیف، مجلس را به خوبی اداره می کردند.»

۲ - مؤلف محترم دانشمندان و بزرگان اصفهان در این باره می نویسد:

«عالمی خوش بیان و مجلس درس و مباحث و مجالس خصوصی او، مشحون از لطایف و ظرایف بود.» [۱۲].

۳ - آقا نجفی قوچانی می نویسد: «وی، بسیار پاکیزه و منقح درس می گفت.» [۱۳]

آثار و تألیفات

از آخوند گزی، مکتوبات ارزشمندی به یادگار مانده است که عبارت است از:

۱ - رساله ای در اصول دین

۲ - رساله ای در حجیت ظن

۳ - رساله ای در شهرت

۴ - رساله ای در صیغ عقود

۵ - حاشیه کتاب الطهارة از شیخ اعظم انصاری

۶ - رساله ی عملیه

۷ - دیوان اشعار. به همت نویسندگی این شرح حال، به انضمام تذکره القبور در قم به چاپ رسیده است.

تذکره القبور که از معروف ترین تألیفات ایشان است. در آن شرح حال قریب یکصد نفر از دانشمندان و علما و عرفا و شعرای مدفون در شهر و توابع اصفهان را به طور خلاصه ذکر فرموده است. این کتاب در زمان حیات مؤلف به چاپ رسید و سخت مورد توجه دانش وران بود. جمعی از دانشمندان بر آن حواشی و متمیم نوشته اند:

۱ - آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی

۲ - استاد جلال الدین همایی

۳ - استاد محمدعلی معلم حبیب آبادی

۴ - آیت الله سید محمدرضا خراسانی

۵ - آیت الله حسین علی صدیقین

۶ - شیخ محمدرضا حسام الواعظین اصفهانی

۷ - استاد سید مصلح الدین مهدوی. حواشی ایشان در سال ۱۳۲۸ به چاپ رسیده است.

ذوق شعری

آن بزرگوار طبع شعر داشته و «مهدوی» تخلص می کرده و گاهی عصرهای جمعه، انجمن شعرای شیدا را نیز زینت می داد. برخی از سروده هایش که به طریق مثنوی سروده شد، در آخر طبع اول تذکره القبور به چاپ رسیده است. از اشعار او است:

ای که از هستت به پا شد هست و نیست غیر هستت در حقیقت هست نیست

با وجود تست هستی ها وجود ورنه اعدام ند یک سر در شهود

آه از این اعدام و این شور و شرور آه از این اعدام و این کبر و غرور

از پس حمد خداوند احد احمد او را درود افزون ز حد

اقامه ی جماعت

استاد گزی، شب ها در مدرسه ی نیم آورد، اقامه ی نماز داشت و پس از درگذشت آقا شیخ محمدعلی نجفی، در مسجد ذوالفقار به اقامه ی نماز جماعت پرداخت.

بر محکمه قضای شرعی

آیت الله گزی، مدتی طولانی قضاو و حکومت شرعی را برعهده داشت و مانند یک دادگستری متحرک، به حل و فصل مرافعات و منازعات مردم می پرداخت. هیچ گاه با

مردم و مراجعان، از موضع قدرت برخوردار نمی‌کرد. رازداری و امانت‌داری از صفات برجسته‌ی او بود. در قضا، عجله روا نمی‌داشت و زندگی زاهدانه و منزهی داشت و در نهایت پاکدامنی در گذشت.

از دیدگاه دیده‌وران

«انما يستدلّ علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عباده». نهج البلاغه

در تجلیل و تمجید از مقام علمی و معنوی این عبد صالح و خلیق، سخنان رسا و گویایی از صاحب نظران و شاگردان ایشان نقل شده است.

اینک برای نمونه به سخنان چندی از بزرگان توجه فرمایید:

۱ - علامه سید محمد علی روضاتی می‌نویسد:

از اجله‌ی علمای اصفهان و در جمیع فضائل و کمالات علمیه و عملیه بی‌نظیر بوده است... در اثر اخلاق حسنه و صفات حمیده‌ای که داشته، قلوب عموم را به خود معطوف و ریاست و شهرتی زائدالوصف به هم رسانیده و تقریباً چندین سال که منتهی به آخر عمر وی گردید، مرجع به تمام مراجعات و حکومتات شرعیه‌ی اصفهان و توابع آن شده بود. خلاصه، مجسمه‌ای بوده از علم و زهد و تقوا. [۱۴]

۲ - استاد جلال‌الدین همایی - که در مکتب آخوند گزی شاگردی کرده - درباره‌ی استاد خود می‌نویسد:

وی، به راستی، شیخ بهایی عصر خود بود و مرجعیت تامه‌ی قضا و فتوا داشت. در عین این که سی یا چهل سال تمام امور قضایی اصفهان و توابعش در دست او بود، شبی که درگذشت، خانواده‌ی او، نفت چراغ و نان نداشتند! مرحوم فشارکی از محلّ وجوهات، حواله داد تا برای خانواده‌ی او شام شب و لوازم معیشت تهیه کردند. من، خود، یکی از حاضران آن واقعه و مباشران خدمت بوده‌ام. [۱۵]

۳ - آقا نجفی قوچانی شاگرد دیگر ایشان، استاد خود را چنین توصیف کرده است: «از

علمای بزرگ من حیث العلم بود، بسیار پاکیزه و منقح درس می گفت.» [۱۶]

۴ - استاد سید مصلح الدین مهدوی از او چنین یاد کرده است:

از اجلّه ی علما و فقها و مدرسین، و از مجتهدین بزرگ و مراجع در اصفهان بوده است... در فقه و اصول و ادب تبحری کامل داشت.

۵ - استاد دکتر سید محمدباقر کتابی می نویسد: ...یکی از معاریف دانشمندان و فقهای ایران باعث افتخار اصفهان است.

و از استادان فن شناخته می شد. علم و اخلاق را به هم آمیخته و کمر به خدمت خلق بر بسته بود. قوه ی حافظه او قوی و مسائل فقهی را ماهرانه، تجزیه و تحلیل می کرد. اخلاق فاضله و اصلاح امور عامه و انقطاع از دنیا و سلوک او با مردم، همه را شیفته ی او ساخته بود. وجود او، مظهر خیر و مهر بود. چون شمعی می سوخت تا بزم دیگران را روشن سازد. [۱۷]

سجایای اخلاقی

استاد در عرصه ی اخلاق و خویشتن داری، ادب نفس و ادب درس را توأمان در وجود خود جمع کرده بود. بالطبع و الیقین، از برکات عصر و از حسنات دهر بود. در روش و آیین زندگی، جز راهی که دین ارائه کرده بود، طریق دیگر نمی شناخت. به مظاهر دنیا و مسائلی که سبب دل بستگی بسیاری از آدمیان می شود، کاملاً بی اعتنا بود. از تصنع و ظاهرسازی، سخت متنفر و به دور بود. حسن خلق و عطوفت او، وضع و شریف را شامل بود، و لطف و رحمتش بر همه سایه گسترده بود. از همه مهم تر این که در مدت زندگی، رنگ نباخت و از همان زی طلبگی و سادگی خارج نشد. این همه در پرتو تربیت دینی و خانوادگی درست از، او شخصیتی ممتاز ساخته بود. فضائل اخلاقی و معنویات که به خوبی در افعال و گفتارش مشهود بود، از آن جا کسب کرد. صفاتی چون خوش خلقی، آزادمنشی، صفای نفس، زیبایی بیان و شیوایی کلام، حافظه ی

قوی، احترام به دیگران، رعایت آداب شرع و عرف، اهتمام در رفع مشکلات و حل اختلافات مردم، همراه با ساده زیستی و پرهیز از بخل، کرامت نفس، جاذبه ای را در این عالم ربانی و فقیه صمدانی ایجاد کرده بود که همگان را شیفته خود می کرد. مثال بارز این شعر خواجهی کرمانی بود که:

گفتا: به دل ربایی ما را چگونه دیدی؟ گفتم: چو خرمن گل در بزم دل ربایی
و الحق نیز چنین بوده است.

عروج ملکوتی

سرانجام این فقیه فاضل و ادیب دانا و مدرس توانا، در ۱۳ ذوالحجۀ سال ۱۳۳۹ قمری (= خرداد ۱۳۰۰ شمسی) پس از هفتاد سال عمر پربرکت و سراسر زهد و جهاد و با نفس و تفکر و تحقیق و خدمت بی منت، روی از این سرای خاکی برتافت و به سوی دیار باقی شتافت و با حافظ هم صدا شد که:

حجاب چهره ی جان می شود غبار تنم خوشا دمی که از آن چهره برفکنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به روضه ی رضوان که مرغ
آن چمنم

پیکر پاک و مطهر این عالم خدوم و محبوب پس از تشییعی با شکوه در تخت فولاد اصفهان، تکیه ی کازرونی به خاک سپرده شد.

ان شاء الله روح معتقد و پرفتوحش، در نتیجه ی آن همه کوشش و فداکاری و مجاهدت در راه نشر دین خدا و خدمت به مسلمانان، از رحمت بیکران الهی همواره برخوردار باشد و در منتها، با ارواح پاکان و نیکان و صالحان و اولیا، محشور گردد که زندگانی اش سرمشق انسان های طالب کمال بود و مصداق تام بیت زیر:

پایان زندگانی هرکس به مرگ اوست جز مرد حق که مرگ وی آغاز دفتر است

این بود گوشه ای از ابعاد شخصیت علمی و انسانی و ایمانی آیت الله معظم گزی، از دیدگاه نویسندگان این سطور. [۱۸]

پاورقی

- [۱]. شرح حال رییس حوزه ی علمیه اصفهان آیت الله خادمی به قلم نویسنده در مجله ی نور علم آمده است.
- [۲]. تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۷۰۷.
- [۳]. زندگینامه ی رجال و مشاهیر، ج ۴، ص ۲۷۵.
- [۴]. تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۶۵۱.
- [۵]. تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۸۵۱.
- [۶]. ضیاء الابصار، ج ۱، ص ۶۲۵.
- [۷]. تربت پاکان قم، ج ۱، ص ۶۲۷.
- [۸]. ضیاء الابصار، ج ۱، ص ۲۱.
- [۹]. نک: روضه رضوان، ص ۲۷۴، ۲۷۶.
- [۱۰]. آیت الله فرساد از استاد خود، گزی، اجازه ی اجتهاد دریافت کرده است. نک: زندگینامه ی آیت الله حاج شیخ محمود فرساد، ص ۱۰۴.
- [۱۱]. زندگینامه ی آیت الله حاج شیخ محمود فرساد، ص ۲۹.
- [۱۲]. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۹.
- [۱۳]. سیاحت شرق، ص ۱۶۲.
- [۱۴]. زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، ص ۱۷۹.
- [۱۵]. همایی نامه، ص ۵۳.
- [۱۶]. سیاحت شرق، ص ۱۲۲.
- [۱۷]. رجال اصفهان در علم و عرفان و ادب و هنر، ج ۱، ص ۱۸۱.
- [۱۸]. شرح حال این عالم بزرگوار در منابع زیر نیز آمده است: نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۱۸۳، ۱۱۸۴؛ مصفی المقال، ص ۲۳۳؛ المستدرک علی معجم المؤلفین، ص ۴۷؛ معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۳؛ همائی نامه ۱۹، ۲۰؛ مؤلفین کتب چاپی، ج ۲، ص ۹۲۹؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴ و ۱۵؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۸؛ الذریعه، ج ۴، ص ۴۴ و ۱۱، ص ۱۲۴، ۲۰، ص ۱۷، و ۲۴، ص ۳۶۶؛ آینه ی دانشوران، ص ۲۰۰، ۳۳۹، ۶۳۳؛ سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷۴؛ تاریخ اصفهان، ۱۴۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۳۲۹، ۳۴۶؛ گنجینه ی شهاب، دفتر چهارم، ص ۴۵؛ زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، ص ۱۷۸، ۱۷۹؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۳؛ تندیس پارسایی، ص ۱۴۲، ۱۴۳؛ روضه رضوان، محمد حسین ریاحی؛ سرآمدان فرهنگ اره؛ شرح حال رجال، ج ۵، ص ۱۴۷؛ اثر آفرینان، زیر نظر سید کمال حاج سید جوادی با همکاری دکتر نوائی، ج ۱، ص ۱۱.